



## بررسی تئوریک سرمایه اجتماعی و تبیین مؤلفه های کارکردی آن

جمال عزیزبانی فر<sup>۱</sup>

زینب قاسمی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی، چگونگی شکل گیری و ارتباط آن با سایر انواع سرمایه (سرمایه انسانی، اقتصادی و...) پرداخته می شود. برای روشن شدن مفهوم سرمایه اجتماعی از دیدگاه های صاحب نظران مختلفی مانند کلمن، بوردیو و پاتنام و فوکویاما استفاده شده است. محقق به دنبال آن است فاکتورهایی را که زمینه ساز سرمایه اجتماعی هستند مشخص نماید. به طور کلی پیام اصلی مقاله حاضر این است که افرادی که قادرند با استفاده از شبکه های ارتباط مردمی، خود را از حمایت دیگران بهره مند سازند معمولاً سالم تر، با نشاط تر و ثروتمندترند.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، رشد اقتصادی، اعتماد، گردش اطلاعات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه با مع علوم انسانی

۱- کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی

۲- کارشناسی ادبیات عرب

### مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی یک مفهوم فرارشته‌ای است که اخیراً مورد توجه بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی قرار گرفته است. این مفهوم در واقع پل ارتباطی مهمی بین اقتصاد، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی خواهد بود تا با نگرشی جدیدتر به بررسی ارزشهای اجتماعی، مخصوصاً ارزش ارتباطات مردمی برای دستیابی به اهداف مشترک کلان پردازد (فیلد، ۱۳۸۴: ۱۱، ۱۲).

مفهوم سرمایه اجتماعی بر روابط میان انسانها تمرکز دارد. روابطی که در تمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسانها جریان داشته و رفتار و نگرش آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رنانی، ۱۳۸۱: ۳۵). به طور کلی می‌توان مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی را در سه جمله بیان کرد: ارتباطات مهم هستند. با ایجاد ارتباط با یکدیگر، مردم دست به کارهایی می‌زنند که به تنهایی یا قادر به انجام آن نیستند یا برای انجام آن مشکلات فراوانی خواهند داشت (حسینی، ۱۳۸۴: ۶۲). وجود سرمایه اجتماعی شرط لازم و نه کافی برای نتیجه بخشی سرمایه‌ها و سیاست‌های اقتصادی است. بررسی دقیق‌تر سرمایه اجتماعی، ما را به این مطلب می‌رساند که بدون وجود این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد.

### سرمایه

سرمایه یکی از اجرای تابع تولید است که بنیادی‌ترین ابزار تئوری اقتصادی برای تبیین منشاء ثروت است. چه در شکل کلاسیک تابع تولید (که محصول تابعی از سرمایه، نیروی کار و زمین بود) و چه در شکل اصلاح شده آن، سرمایه آنچه را شامل می‌شود که در فرایند تولید جریان دارد، از تولید نتیجه می‌شود و برای تولید بیشتر به کار گرفته می‌شود. سرمایه آنگونه که در جامعه‌شناسی، حقوق و اقتصاد از آن بحث می‌شود، دارای چهار ویژگی است:

۱- واحدهای سرمایه مالک شخصی دارند و حقوق مالکیت آنها توسط قانون به رسمیت شناخته شده است.

۲- سرمایه، زمانی به منزله‌ی سرمایه فعال تلقی می‌شود که امیدی برای بازگشت آن وجود داشته باشد.

۳- به جریان افتادن سرمایه، عموماً به کاهش یا تضعیف کارکرد آن می‌انجامد و توانایی بازگشت بالقوه‌ی آن معمولاً به این امر نیاز دارد که بخشی از برگشت سرمایه برای بازسازی یا

نوسازی ذخیره سرمایه مورد استفاده قرار گیرد (تاجبخش: ۱۳۸۲، ۲۸).

### اشکال سرمایه از دیدگاه بانک جهانی

بانک جهانی بر چهار نوع سرمایه به عنوان چهار جزء تشکیل دهنده ثروت ملل در ارتباط با توسعه پایدار تأکید می کند:

(۱) **سرمایه طبیعی:** یعنی دارائی های محیطی مثل زمین، آب، جنگل، معادن، گیاهان و جانوران که به بعد محیطی توسعه پایدار مربوط می شود.

(۲) **سرمایه تولید شده** (بشرساخت): که معمولاً ماشین آلات، کارخانه ها، ساختمانها و تجهیزات زیر بنائی مثل خطوط راه آهن و جاده ها است که بر بعد اقتصادی توسعه پایدار دلالت دارد.

(۳) **سرمایه انسانی:** ظرفیت های سازنده افراد که بر مهارت، آموزش و بهداشت مبتنی است و همراه با سرمایه اجتماعی بعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می دهد.

(۴) **سرمایه اجتماعی:** شبکه ها، انجمن ها و مؤسساتی که با هنجارهای مشترک و روابط متکی بر اعتماد شکل می گیرند و همکاری را تسهیل می کنند (شریفیان ثانی: ۱۳۸۰، ۲۰).

### چهار استدلال در مورد اینکه سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است

اول اینکه سرمایه اجتماعی، مانند دیگر انواع سرمایه، منبعی است با امکان سرمایه گذاری برای انتظارات آینده و همراهی بازدهی و نااطمینانی. سرمایه گذاری در ساختن شبکه های روابط خارجی، کنشگران را در جهت دستیابی به اطلاعات و قدرت توانمند می سازد و توسعه شبکه های درونی به کنشگران جمعی امکانات تقویت هویت جمعی و کارهای مشارکت جمعی را فراهم می نماید. به عبارت دیگر همیشه نمی توان از سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارائی برونزا و غیر قابل کنترل یاد کرد.

دوم اینکه سرمایه اجتماعی مانند گونه های دیگر سرمایه، چند منظوره و تبدیل پذیر است. شبکه های دوستانه کنشگران اجتماعی مانند سرمایه های فیزیکی می توانند برای اهداف متفاوت به کار گرفته و به تولید کمک نماید. همچنین منافعی که افراد از جایگاهشان در شبکه می برند قابل تبدیل به دیگر انواع سرمایه و به ویژه سرمایه اقتصادی است. به همین دلیل اعتماد و اعتبار را بعضی مواقع به عنوان جایگزین سرمایه مالی مطرح می کنند. بوردیو معتقد است استراتژی تبدیل سرمایه

به همدیگر متأثر از تغییر در ساختار فرصت‌های سودی است که هر یک ارائه می‌کنند ( Bourdieu 1986: 248-49).

دلیل سوم به جایگزینی یا مکمل بودن سرمایه اجتماعی برای دیگر اشکال سرمایه اشاره شده است. عوامل اقتصادی می‌توانند گاه کمبود سرمایه اقتصادی یا انسانی خویش را با روابط اجتماعی قوی جبران کنند.

دلیل چهارم اینکه سرمایه اجتماعی نیز مانند سرمایه فیزیکی و انسانی، نیازمند حفاظت و هزینه نگهداری است و باید به طور متناوب بازسازی و تقویت شود. هر چند این سرمایه همچون سرمایه انسانی نرخ استهلاک قابل پیش‌بینی ندارد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مانند دانش و مهارت یا برخی کالاهای عمومی با عدم استفاده هم ممکن است دچار استهلاک شود ( Bourdieu, 1986: 120).

### تعریف سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی به یکی از بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است و حجم ادبیات دانشگاهی و سیاسی مرتبط با آن به شدت در حال افزایش است. این مسئله به ویژه در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا صادق است و یکی از دلایل آن وجود ماهیت بسیار فردگرایانه روابط اجتماعی معاصر در این کشورهاست که به مسائلی مانند ازدواج‌های بی‌دوام، جنایت و از خود بیگانگی افراد منجر می‌شود (تاجبخش/اسدی کیا، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱).

تا به حال تعاریف متعددی از مفهوم سرمایه اجتماعی توسط صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی ارائه شده است که در ذیل به برخی از این تعاریف اشاره خواهیم کرد:

(۱) **جیمز کلمن**<sup>۱</sup>: سرمایه اجتماعی، فرایندهای اجتماعی است که با تسهیل کنش اعضای خود، منافع‌شان را ارتقاء می‌دهد (اونق، ۱۳۸۴: ۲۴).

(۲) **پیر بوردیو**<sup>۲</sup>: سرمایه اجتماعی عبارتست از موقعیت‌ها و روابطی که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای افراد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را

1- J. coleman  
2- Bourdieu

افزایش می دهد (علوی، ۱۳۸۰: ۲۱).

**۳) رابرت پاتنام<sup>۱</sup>:** سرمایه اجتماعی به مجموعه ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز وجوه گوناگون سازمانهای اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه ها گفته می شود که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می دهد (مبارکی، ۱۳۸۳: ۲۰).

**۴) فوکویاما<sup>۲</sup>:** سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی است که اعضای گروهی که تعاون و همکاری میانشان مجاز است در آن سهم و ذینفع هستند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۳۳). همچنین فوکویاما در یک تعریف دیگر بیان می کند که سرمایه اجتماعی عبارتست از توانایی های افراد برای کار کردن با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه ها و سازمان ها (Fukuyama, 1994: 10).

با جمع بندی نظرات ابراز شده می توان سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها، ارزش ها و درکی دانست که همکاری درون گروه ها و بین گروه ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می کند و این نوع از سرمایه را معمولاً با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می کنند.

#### پیشینه سرمایه اجتماعی

ایده سرمایه اجتماعی سابقه ذهنی طولانی در علوم اجتماعی دارد و برخی آنرا در آرای اندیشمندان متقدم و کلاسیک علوم اجتماعی مانند دورکیم، وبر و دیگران جستجو می کنند (بهزاد، ۱۳۸۱: ۳۶). فلدمن و اساف (۱۹۹۹) معتقدند که مفهوم سرمایه اجتماعی به معنایی که امروزه به کار می رود را نخستین بار شخصی به نام هنی فن<sup>۳</sup> در سال ۱۹۲۰ به کار برد. او در مقاله ای که در سال ۱۹۱۶ در مورد اهمیت مشارکت در تقویت حاصل کار مدرسه منتشر کرد، سرمایه اجتماعی را شامل دارائی هایی می دانست که در زندگی روزانه افراد خیلی به حساب می آیند؛ همانند حسن تفاهم، رفاقت، احساس همدردی و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می دهند. پس از نیم قرن تأخیر مجدد در سال ۱۹۶۰، جین جاکوب<sup>۴</sup> به دلیل

1- R. putnam  
2- F. fukuyama  
3- Hani fan  
4- Jan Jacob

## کارکردی آن

زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا و مشاهده مرگ شهروندان آمریکایی به این مفهوم پرداخت. او توضیح می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰ - ۹). به دنبال او در دهه ۱۹۷۰، گلن لوری<sup>۱</sup> منتقد و ایوان لایت<sup>۲</sup> جامعه‌شناس، این واژه را برای شناسایی منابع مفید اجتماعی و توسعه سرمایه انسانی و توصیف مشکل اقتصاد درون شهری به کار بردند. از نظر لوری سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی و اجتماعی کودک یا جوان سودمند است (همان، ۱۱، ۱۴). علاوه بر موارد مذکور، امروزه نظریه پردازان و اندیشمندان مختلفی به مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند که از میان آنها می‌توان به افرادی مانند رابرت پاتنام، جیمز کلن، فرانسیس فوکویاما، نورث<sup>۳</sup>، بوردیو و... اشاره کرد.

## چارچوب نظری

صاحب‌نظران مختلف و متعددی در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی اظهار نظر کرده‌اند، اما در اینجا به ارائه نظرات چند نفر از آنان که به عنوان پیشگامان این حوزه معروف هستند می‌پردازیم:

### الف: جیمز کلن

کلن، جامعه‌شناس معروف آمریکایی است که تأثیرات عمده‌ای بر مطالعات آموزش و پرورش داشته است. علاقه او ترکیب جامعه‌شناسی با جریان‌های عمده اقتصادی است و به همین دلیل او مفهوم سرمایه اجتماعی را به عنوان پل بین اقتصاد و جامعه‌شناسی به کار می‌گیرد (کلن، ۱۳۷۷: ۴۶۳ - ۴۶۰). از نظر کلن، سرمایه اجتماعی نمایانگر منبعی است از انتظارات دو طرفه و بنابراین با شبکه‌های گسترده تر ارتباطات، اعتماد و ارزش‌های مشترک، بالاتر از افراد قرار می‌گیرد (فیلد، ۱۳۸۴: ۳۲).

کلن به شدت متأثر از افکار گری بکر<sup>۴</sup> بود. مطالعات بکر در زمینه سرمایه انسانی در چارچوب نظریه انتخاب منطقی شکل گرفته و وی آن را به صورت کاربرد اصول اقتصادی در

- 1- Glen Louri
- 2- Ivan Light
- 3- D. north
- 4- Gary becker

مطالعات تحصیلات، خانواده، سلامتی و تبلیغات به انجام رساند (Becker, 1964: 426). کلمن از سرمایه اجتماعی برای تبیین تفاوت ها در زندگی افراد استفاده کرد. او نمونه ای از دانش آموزان را مطالعه کرد و پیوندی بین سرمایه انسانی و اجتماعی به وجود آورد. پیش فرض او این بود که ساختار اجتماعی متفاوت، سطوح مختلف سرمایه اجتماعی قابل دسترسی را برای کودکان ایجاد می کند. در نتایجی که او به دست آورد زمانی که سرمایه اجتماعی بالاست، میزان های ترک تحصیل از مدرسه پایین هستند یعنی سرمایه اجتماعی بالاتر باعث ادامه تحصیل بالاتر می شود. برای کلمن سرمایه اجتماعی ملموس است و در ساختار روابط بین و میان کنشگران افزایش می یابد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). او اشکال عمده سرمایه اجتماعی را تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت های اجرایی موثر، روابط اقتدار، سازمان اجتماعی انطباق پذیر و سازمان تعهدی می داند.

کلمن سرمایه اجتماعی را نوعی کالای عمومی می دانست که گرچه به دست کسانی که آن را تشخیص می دهند ایجاد می شود، ولی منافع آن شامل تمام اجزای ساختار می گردد. بنابراین سرمایه اجتماعی سبب می شود تا همکاری بین افراد ایجاد شود که در غیر این صورت دنبال منافع فردی خود می بودند (شیروانی، ۱۳۸۳: ۵۱).

### ب: بورديو

بورديو يك جامعه شناس اروپایی علاقمند به مساله دوام طبقه اجتماعی و دیگر انواع تعدی در مساله بی عدالتی بود. او برجسته ترین چیزی که از اقتصاد سیاسی بیرون می کشد همان چیزی است که او سرمایه فرهنگی می نامد. به نظر او سرمایه فرهنگی در درون یک فضای اجتماعی پخش شده است و سپس به وسیله میراث، انتقال یافته و بالاخره به صورت فرهنگ، سرمایه گذاری می گردد. (روح الامینی: ۱۳۷۴، ۱۱۶ - ۱۱۴).

سرمایه اجتماعی برای بورديو، موقعیت ها و روابط در گروه ها و شبکه های اجتماعی است که دسترسی به فرصت ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می دهد. به نظر بورديو تطابقی میان جایگاه اجتماعی و سلیقه ها و رفتارها وجود دارد. مثلاً اینکه فضای طبقه اجتماعی برتر، چه نوع ورزش ها، نوشیدنی ها، گرایش های سیاسی و غیره را ترجیح می دهند (رضائیان، ۱۳۸۴: ۲۰).

از نظر بوردیو، تراکم و دوام ارتباطات هر دو اهمیت فراوان دارند. سرمایه اجتماعی نمایانگر ادغام منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که برای مالکیت شبکه‌ای بادوام به کار رفته‌اند. همچنین وی معتقد است که ارزش ارتباطات یک فرد (یا حجم سرمایه اجتماعی یک عامل) به تعداد ارتباطات فعال شده و حجم سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) هر ارتباط بستگی دارد. بوردیو برای نمایش تعامل بین ارتباطات و سرمایه مالی یا فرهنگی، اعضای حرفه‌ها را مثال می‌زند، مانند وکلا یا پزشکان که با بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی - یعنی سرمایه اجتماعی ارتباطات، مقبولیت و احترام - اعتماد و اطمینان مشتریان را در یک جامعه سطح بالا به دست می‌آورند یا حتی از آن در زمینه شغلی و سیاسی بهره‌برداری می‌نمایند. برعکس بوردیو معتقد است آنانی که فقط به کیفیت تحصیلات خود متکی هستند، بیشتر از همه در قبال کسادی مدرکی (اعتباری) زخم پذیرند، چون نه فقط دچار نبود ارتباطات هستند، بلکه ضعف فقر سرمایه فرهنگی آنان سبب کاهش آگاهی در مورد نوسانات بازاری در مورد مدارک آنان است (فیلد، ۲۷: ۱۳۸۴ - ۲۶).

### پ: پاتنام

توسعه تئوری سرمایه اجتماعی بیش از هر چیز وامدار کارهای پژوهشی رابرت پاتنام است. وی که در سال ۱۹۷۰ برای مطالعه جنبه‌هایی از سیاست حکومت ایتالیا به رم سفر کرده بود با یک پدیده تاریخی روبه‌رو می‌شود که فرصتی استثنائی را برای انجام یک سلسله پژوهش‌های سیستماتیک و دنباله‌دار رقم می‌زند. این پدیده اجرای ماده معوق مانده‌ای از قانون اساسی ایتالیا بود که به موجب آن حکومت‌های منطقه‌ای حق فعالیت می‌یافتند. از آن سال که حدود ۱۵ حکومت منطقه‌ای در ایتالیا شروع به فعالیت کردند تا ۱۹۹۰ که تعداد آنها به ۲۰ مورد رسیده بود. سلسله پژوهش‌های پاتنام و همکارانش، بینش تازه‌ای را در تئوری سرمایه اجتماعی ایجاد کرد. موضوع این پژوهش در آغاز بررسی عملکرد این نهادهای حکومتی در مناطق مختلف بود. در نتیجه این بررسی سطح مناطق برگزیده در طی سالهای ۱۶۷۸ تا ۱۹۸۵ بر اساس ۱۲ شاخص حاکی از اختلاف شدید شمال و جنوب ایتالیا بود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۲). بنابراین سؤالی که مطرح می‌شد این بود که چه چیزی باعث تمایز آنها از مناطق کمتر موفق داخل هر بخش می‌شود.

پاتنام برای پاسخ به این سوال دو فرض را مطرح می‌کند:

یکی تأثیر مدرنیته اجتماعی - اقتصادی و دیگری وجود جامعه مدنی یعنی الگوهای مشارکت



مدنی و همبستگی اجتماعی بود. یافته های پژوهش فرض اول را تأیید می کند یعنی نشان می داد که مدرنیته اقتصادی با عملکرد بالای نهادهای عمومی در ارتباط بود. اما بررسی بیشتر محدودیت های این تفسیر را آشکار می کرد: در مناطق فقیر حکومت ها مدام عملکرد سطح پایین داشته اند. اما تفاوت های آشکار در عملکرد درون هر بخش بر حسب توسعه اقتصادی کاملاً غیر قابل توضیح بود. بنابراین باید گفت که ثروت و توسعه اقتصادی نمی تواند تمام داستان باشد (همان: ۱۵۴ - ۱۵۰).

فرض دوم این بود که موفقیت یک حکومت دموکراتیک به درجه نزدیک شدن محیطش به ایده آل جامعه مدنی بستگی دارد. پاتنام برای عملیاتی کردن مفهوم جامعه مدنی براساس آثار نظریه پردازان کلاسیک و جدید جمهوری به چند شاخص می رسد که عبارتند از:

مشارکت مدنی، همبستگی، اعتماد و تساهل، انجمن ها و زندگی انجمنی و برابری سیاسی و سپس بر اساس داده ها و آمارهایی از تعداد روزنامه خوانها، عضویت در کلوپها و انجمن ها، میزان مشارکت در رفراندوم ها، شیوع رأی ترجیحی این فرضیه را آزمون می کند (همان، ۱۷۴ - ۱۶۲).

هنگامی که مشخص شد مهمترین عامل در توضیح حکومت خوب، درجه نزدیکی زندگی اجتماعی و سیاسی یک منطقه به ایده آل جامعه مدنی است سؤال بعدی آن بود که چرا بعضی از مناطق از دیگران مدنی ترند. پاتنام برای پاسخ به این سوال در ابتدا به سراغ تاریخ می رود دست به مطالعه تبارشناسی جامعه مدنی در ایتالیا می زند - مطالعات وی نشان می دهد که جامعه مدنی ریشه های تاریخی عمیقی دارد. در طول قرن گذشته به ویژه در چند دهه اخیر ایتالیا تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی زیادی را از سر گذرانیده است. اما علیرغم این تغییر و تحول، مناطقی که در اواخر قرن بیستم دارای مشارکت مدنی بوده اند تقریباً همان مناطقی هستند که در قرن نوزدهم از بیشترین انجمن های مشارکتی و فرهنگی برخوردار بوده اند و در آنها انجمن های دوستی و مذهبی و صنوف به شکوفایی جمهوری های محلی کمک نموده بودند. اگرچه این مناطق مدنی یک قرن پیش ضرورتاً از لحاظ اقتصادی پیشرفته نبودند لیکن آنها به طور تدریجی و مداوم هم از لحاظ عملکرد اقتصادی و هم از لحاظ کیفیت حکومت از مناطق غیر مدنی پیش افتاده بودند. نیروی جذاب و خیره کننده سنت های مدنی بر قدرت تاریخ گذشته گواهی می دهد (همان، ۲۷۵).

اما چرا تاریخ گذشته چنین قدرتمند است؟ چرا مردم معتقدند که به گونه‌ای ناامیدکننده در چارچوب عادات و رسوم خاصی گرفتار شده‌اند؟ چه عوامل مثبتی در شمال، سنت‌های مشارکت مدنی را طی قرن‌ها از میان تغییرات شدید اجتماعی، اقتصادی و حفظ نمودند؟ چه عوامل منفی در جنوب وابستگی را بازتولید می‌کند؟ در پاسخ به این سؤالات بود که وی به منطق عمل جمعی و مفهوم سرمایه اجتماعی روی آورد (همان، ۴۲).

پاتنام به بیان تفاوت بین دو نوع اصلی سرمایه اجتماعی می‌پردازد، که عبارتند از سرمایه اجتماعی پل زن<sup>۱</sup> (درب‌گیرنده) و سرمایه اجتماعی میثاقی<sup>۲</sup> (مانع شونده از دخول دیگران). سرمایه اجتماعی میثاقی تمایل به ممانعت از دخول دیگران (غیر خودی‌ها) دارد و مایل است که همگنی را حفظ کند. درحالیکه سرمایه اجتماعی پل زن به گرد هم آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد. البته هر نوع از آن برای نیاز خاصی به کار می‌آید. سرمایه اجتماعی میثاقی برای تقویت پایه و اساس تعاملی خاص مفید است و سبب تحریک اتحاد می‌شود و مانند چسب در جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری در گروه‌ها به کار می‌آید (فیلد، ۱۳۸۴: ۵۰).

### ت: فرانسیس فوکویاما

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی عبارتست از: هنجارهای غیررسمی جاافتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. از نظر او دامنه هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند می‌تواند از هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جزء به جزء مانند مسیحیت یا آیین کنفوسیوس را در برگیرد. آن‌ها باید در رابطه انسانی واقعی جاافتاده باشند. هنجار متقابل به هنگام سروکار داشتن با تمام مردم به طور متقابل وجود دارد اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود. بنابراین اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و موارد دیگری که با سرمایه اجتماعی همراهند تماماً آثار و نتایج سرمایه اجتماعی هستند نه اجزای تشکیل دهنده آن. هر مجموعه‌ای از هنجارهای جاافتاده، سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهد بلکه آنها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی همچون صداقت، پابندی به تعهدات، وظیفه‌شناسی، رابطه متقابل و نظیر آن مرتبط باشند (فوکویاما: ۱۳۷۹، ۱۳ - ۱۱).

1- Bridging social capital  
2- Bonding social capital

فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی متعلق به گروه هاست نه افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند در صورتی معنی دارد که بیش از یک نفر در آن سهیم باشد (همان، ۱۳). گروهی که حاوی سرمایه اجتماعی اند ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می کنند یا در پروژه ای مشترکاً همکاری می کنند و یا ممکن است در مقیاس بزرگتری تمامی یک ملت باشد. فوکویاما برخی از کشورها را که از نظر فرهنگی یکسان هستند بر اساس سرمایه اجتماعی مقایسه می کند و هدف او این است که به این سؤال پاسخ دهد: چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند. او ادعا می کند در این کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می کند مثلاً در جامعه ژاپن سطوح بالای سرمایه اجتماعی سبب گسترش و توسعه این کشور گردیده است درحالیکه در جامعه چین پیوندهای موجود مانع شکل گیری سرمایه اجتماعی شده و فرصت های نوآوری را محدود ساخته است. فوکویاما معتقد است که جوامع مدرن به جای اینکه در صدد باشند که اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند در جستجوی تأسیس نهادهایی چون حکومت متکی بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند تا رفتارهای اعضای خود را نظام مند کنند (پور موسوی: ۱۳۸۱، ۳۷).

فوکویاما معتقد است جامعه مدرن بدون پشتوانه مذهب، فرهنگ و سنت تاریخی از پایه فرو خواهد ریخت. او در خصوص موفقیت جوامع مدرن معتقد است تنها به این علت توفیق یافته اند که قادر به زنده نگه داشتن سرمایه اجتماعی انباشته شده ی قرون متمادی شده بودند (همان، ۳۹). فوکویاما یافتن عدد مشخص و قابل قبولی برای بیان مقدار سرمایه اجتماعی را مشکل می داند. به نظر او شاید اطلاعاتی در خصوص گروه ها و زیرمجموعه های آنها وجود داشته باشد اما اتفاق نظر مشخصی در خصوص تفاوت های کیفی این اطلاعات در دسترس نیست. او برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی از روش جایگزینی استفاده می کند. به نظر او می توان نبود سرمایه اجتماعی به عبارتی انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را به روشهای مرسوم اندازه گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای مبتنی بر تشریک

کارکردی آن

مساعی را منعکس می‌کند انحرافات اجتماعی نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (مبارکی: ۱۳۸۳، ۶۳).

### منابع تولید سرمایه اجتماعی

در ادبیات سرمایه اجتماعی مباحث فراوانی در مورد سرچشمه‌های این نوع سرمایه وجود دارد به عنوان مثال کلمن از فروبستگی، ایدئولوژی و شرایط بیرونی همچون ثبات و نیز عوامل دیگری مثل رفاه و منابع رسمی حمایت (مثل دولت) در زمان مورد نیاز، به عنوان علل پیدایش سرمایه اجتماعی یاد کرده است (کلمن: ۱۳۷۷، ۴۷۰).

دلا پورتا و دیانی<sup>۱</sup> به دو رویکرد اصلی در توضیح عمل جمعی و همکاری اشاره کرده‌اند که یکی رویکردهای مبتنی بر ساخته شدن هویت در طی کنش اجتماعی و دیگری مبتنی بر توضیحات نظریه انتخاب عقلانی و عوامل انگیزشی است (دلا پورتا و دیانی: ۱۳۸۳، ۶۱ - ۱۶۰). فوکویاما چهار عامل اصلی را به عنوان سرچشمه و منشاء سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند که عبارتند از:

#### ۱ - هنجارهای نهادی:

منظور از نهادی این است که هنجارها در نتیجه کنش قصدمند مؤثر بر اجتماع به طور کلی، مثلاً از طریق نهادی مانند دولت ساخته شده باشد. نهادهای رسمی مانند قوانین و نظام‌های قانونی نیز در طول زمان، هنجارهای رسمی ایجاد می‌کنند. هنجارهای نهادی به دو بخش عقلانی و غیرعقلانی قابل تقسیم است (فوکویاما: ۱۳۷۹، ۹۸).

الف) ساختمان‌های نهادی عقلانی:

نهایی‌ترین شکل ساخت مندی عقلانی را دولت‌های کمونیستی نظیر شوروی سابق و چین برعهده داشتند. هدف اصلی این کشورها آن بود که یک انسان شوروی طراز اول بیافرینند که از منافع شخصی خود خواهانه تغییر مسیر دهد و به سمت سعادت تمامی بشریت حرکت کند. جوامع دموکراتیک منبع اصلی هنجارهای اجتماعی ساخته شده از نهاد قانون هستند. نوشته‌های حقوقی فراوانی وجود دارد که شیوه‌هایی را مقرر کرده‌اند که بر اساس آنها، نهادها مسئول ترویج هنجارهای غیررسمی هستند. در خارج از خانواده، تحصیلات عرصه محکم دیگر اجتماعی کردن

است. تحصیلات انبوهی از هنجارهای گوناگون را به وجود می آورد، تحصیلات می تواند منجر به گسترش ایدئولوژی ها یا ایده های منظم جدید گردد، همانطور که فوکویاما اشاره می کند: یکی از استفاده های خاص قانون که نقش مهمی در تشکیل هنجارهای اجتماعی ایفا می کند عبارتست از تحصیلات دولتی. از هنگام انقلاب فرانسه نظام آموزشی فرانسه تلاش کرده است حس جمهوری خواهی را به شهروندان القا کند. در حالیکه مدارس آلمان از پایان جنگ جهانی دوم تلاش کرده اند نژادپرستی و ملی گرایی را از میان ببرند (همان، ۱۰۰ - ۹۹).

ب) ساختمان‌دی نهادی غیر عقلانی:

این شکل ایجاد هنجارها، ریشه در آموزه های مارکس دارد که می گوید هنجارهای تحت نظام سرمایه داری برای خدمت به منافع بورژوازی ساخته شده است. در دوره معاصر از این دیدگاه برداشت های متعددی شده است. طرفداران حقوق زنان نقش اجتماعی زن را ناشی از سلطه مردان و پدرسالاری ناعادلانه می دانند. بسیاری از پست مدرنیست ها و کسانی چون فوکو این نقد را بسط داده و گفته اند که هر رفتاری که توسط جامعه ساخته می شود البته نه بر اساس اینکه انسان ها درباره بهترین شکل زندگی اجتماعی به بحث پرداخته باشند، بلکه بر اساس قدرت و سلسله مراتب، هویت های اجتماعی و هنجارهایی که پشتوانه آنهاست، محصول یک گروه است که می خواهد سلطه خود را بر دیگران اعمال کند (فوکویاما: ۱۳۷۹، ۱۰۲).

## ۲- ساختمان‌دی خودجوش:

هنجارهای ساخته شده بر این اساس به جای اینکه از قانون یا دیگر نهادهای رسمی سر برکشند، از کنش های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می آیند و ناشی از انتخاب تعدمی نیستند. فوکویاما این نوع ساختمان‌دی را به طبقات عقلانی و غیر عقلانی تقسیم می کند:

الف) ساختمان‌دی خودجوش عقلانی:

این مقوله بیشتر در ادبیات مربوط به نظریه بازی بحث شده است. نظریه بازی یکی از شاخه های نظریه انتخاب عقلانی است. در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه ای از افراد است که کنش عقلانی دارند، (منظور کنش عقلانی معطوف به هدف در مفهوم وبری آن است یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری) این افراد آگاه، مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. به تعبیر لیتل کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقاداتشان، نسبت به

شقوق ممکنه، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان، بهترین راه باشد (لیتل: ۱۳۷۳، ۶۹). نظریه انتخاب عاقلانه کلاسیک، در علوم اجتماعی به تدریج تکامل یافته و به گونه‌ای که مفهوم نفع را از صرف منافع اقتصادی به سایر منافع غیر مادی بسط داده و نهایتاً در کنار مفهوم نفع، هنجارهای اجتماعی را نیز وارد کرده است.

(ب) ساختمان‌دی خودجوش غیر عقلانی:

منشاء سرمایه اجتماعی و در واقع هنجارهای مربوط به آن در این بینش، نتیجه یک تکامل خودجوش بلندمدت است که در فرایندی غیر عقلانی ایجاد میشود. یکی از نمایندگان این دیدگاه، فردریش هایک<sup>۱</sup> اقتصاددان نئولیبرال اتریشی است. وی با نقل قولی از هیوم خاطر نشان می‌سازد که قواعد اخلاقی نتیجه عقل ما نیست. وی معتقد است که هنجارهای اجتماعی به طور کلی از طریق یک فرایند رسمی سیاسی وضع نشده است بلکه بیشتر نتیجه کنش‌های متقابل افرادی است که به دنبال اهداف کلی هستند.

از دیدگاه وی آزادی سیاسی که در یک جامعه باز پدید می‌آید، برای حراست از شبکه پیچیده هنجارهای اجتماعی ضروری است (فوکویاما: ۱۳۷۹، ۱۰۱). توصیف هایک از شکل‌گیری هنجار، طلیعه ظهور مطالعات بسیاری در زمینه نظام‌های پیچیده انطباق‌پذیر و نظم خودانگیخته ناشی از کنش متقابل نامنتقی عامل‌های ساده شده است. این امر به گفته فوکویاما در ابتدا در رسوم طبیعی تکوین یافته و به تدریج به فراسوی خاستگاه زیستی آن یعنی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی رفته است. به عنوان مثال یک بازار را می‌توان به عنوان نظام پیچیده انطباق‌پذیر توصیف کرد که عاملان فردی به دنبال کردن راهبردهای محدود و شخصی خود به طور جمعی (تخصیص حد مطلوب پاره تویی) را به انجام می‌رسانند در اینجا کسی به طور آگاهانه خیر جمعی را دنبال نمی‌کند بلکه عوامل فردی در سطوح پایین سازمان به طور خودجوش در فعالیت‌های خود آنرا بروز می‌دهند (همان، ۱۰۳).

### ۳- هنجارهای برونزاد:

منظور از این ساختمان‌دی این است که هنجارهای اجتماعی از جایی به غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته است، سرچشمه می‌گیرد. فوکویاما معتقد است که اکثر مذاهب جهان مانند

مسیحیت، بودایسم و اسلام از خارج وارد جوامع شده و بر جمعیت تحمیل شده‌اند (فوکویاما: ۱۳۷۹، ۱۰۲). او برای هنجارهای برونزاد سه بخش را ترسیم می‌کند که عبارتند از:

الف) دین:

در ادبیات سرمایه اجتماعی با اثر کلاسیک توکویل "دموکراسی در امریکا" این موضوع مطرح می‌شود. وی می‌گوید: "تردیدی ندارم که در امریکا سخت‌گیری‌هایی که برای رعایت اصول اخلاقی می‌شود همه از معتقدات مذهبی آنان سرچشمه می‌گیرد" (توکویل، ۱۳۸۳: ۴۰۵). در بحث دیگری که به بررسی نقش مذهب در مبانی سیاسی جامعه آمریکا می‌پردازد بیان داشته که: "همین عامل مذهب بود که برای استقرار حکومت دموکراتیک و جمهوری خواه زمینه مساعدی را فراهم ساخت" (همان، ۴۰۱).

کلمن هم تاجران الماس در شهر نیویورک را مثال می‌زند که غالباً کیسه‌های سنگ گرانبهای خود را بدون دریافت رسید و بدون هر گونه سند قانونی رسمی به یکدیگر می‌سپارند، آنها چنین می‌کنند زیرا همگی به یکی از فرقه‌های بنیادگرای یهودی لهستان تعلق دارند و دارای انواع مختلف اقتدار هستند که می‌تواند بر کسانی که قاعده بازی را می‌شکنند، اعمال گردد (Colman, 1998: 36). در جای دیگر کلمن به نتایج تحقیق دیگری اشاره می‌کند که از مقایسه مدارس مذهبی و غیرمذهبی در امریکا به دست آورده و در آن مدارس خصوصی وابسته به سازمانهای مذهبی در امریکا، به رغم معیارهای انضباطی انعطاف ناپذیرترشان میزان ترک تحصیل بسیار کمتری از مدارس خصوصی غیرمذهبی یا مدارس دولتی دارند به نظر کلمن علت آشکار این موضوع، سرمایه اجتماعی در دسترس مدرسه وابسته به سازمانهای مذهبی است که برای بیشتر مدارس دیگر، خصوصی یا دولتی وجود ندارد (کلمن: ۱۳۷۷، ۴۹۰).

ب) ایدئولوژی:

در دنیای مدرن، افکار و اندیشه‌ها به سادگی و به راحتی مرزهای سیاسی و فرهنگی را پشت سر می‌گذارند و مبنای مراودات گروهی می‌شوند. این افکار می‌توانند افکار این جهانی (سکولار) و از لحاظ ابزاری عقلانی باشند: احزاب سیاسی گروه‌های طرفدار محیط زیست، جانبداری از حقوق زنان، گروه‌های تروریستی و گروه‌های دیگر همه بر اساس اعتقاد به یک دستور کار سیاسی - ایدئولوژیک مشترک فعالیت می‌کنند. فوکویاما معتقد است که تمام بخش غیردولتی و جامعه



مدنی، میل به سازمان یافتن پیرامون هنجارهای ایدئولوژیک را دارند (فوکویاما: ۱۳۷۳، ۱۰۳).

ج) فرهنگ و تجربه مشترک تاریخی:

در نظر فوکویاما این مورد اشاره به منابع هنجارهای غیردینی و غیر استعلایی موجود در فرهنگ از جمله قومیت یا تاریخ مشترک دارد. او یهودیان و ارامنه را مثال می‌زند که علاوه بر اینکه به وسیله مذهب مشترک و قومیت پیوند خورده‌اند، از لحاظ آزار و شکنجه تاریخی نیز که نوع متفاوتی از همبستگی را ایجاد می‌کند، دارای تجربه مشترکی هستند (شریفیان ثانی: ۱۳۸۰، ۲۴).

د) هنجارهایی که از طبیعت ریشه می‌گیرند:

این عامل اشاره به بحث‌های زیست‌شناسان تکامل‌گرا و جامعه‌زیست‌شناسانی<sup>۱</sup> دارد که ریشه‌های همکاری اجتماعی و هنجارهای آنرا به درون ساختار ژنتیکی نخستین‌ها و از جمله انسان مربوط می‌دانند و معتقدند که عواطفی از قبیل احساس تقصیر به خاطر خیانت اعضای گروه پایه در مغز انسان دارد (روشنفکر: ۱۳۸۴، ۶۰). شواهد قابل توجه‌ای از علوم طبیعی وجود دارد که می‌گوید اجتماعی بودن به واقع نه تنها در انسان بلکه در دیگر موجودات نخستین نیز ذاتی است (فوکویاما: ۱۳۷۹، ۱۰۴). قومیت و نژاد تا حد زیادی مقولاتی است بر مبنای اجتماعی ساخته شده است هر دو مقوله از منابع مهم هویت‌اند با این حال خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. فوکویاما معتقد است با وجود تغییراتی که در ساختار خانواده ایجاد شده است خویشاوندی به عنوان قوی‌ترین شکل ارتباط اجتماعی در جوامع معاصر باقی خواهد ماند. به اعتقاد او با وجود تفاوت در بین جوامع از لحاظ اهمیت خانواده و خویشاوندی، اما هیچ جامعه‌ای نیست که به طور کامل خویشاوندی در آن محو شده باشد (همان، ۱۰۵).

### تبیین مؤلفه‌ها و کارکردهای سرمایه اجتماعی

مرور ادبیات این حوزه که همچنان و به طور روز افزونی انباشته می‌شود حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی هم به عنوان یک مفهوم کاربردی چند وجهی و بین‌رشته‌ای و هم به عنوان یک تئوری نوظهور در قلمروهای مختلف علوم اجتماعی اعم از اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و غیره کارایی دارد و با وجودی که در رویکردها و مکاتب مختلف تمایزات ظریف مفهومی پیدا



کرده است، اما مضامین مشترکی را نیز به دست داده که در ادامه به تبیینی از نقش و تأثیر هر کدام از آنها می پردازیم:

### ۱ - شبکه های مشارکت مدنی

پاتنام معتقد است شبکه های مشارکت مدنی از جمله انجمن های همسایگی، کانون های سرودخوانی، تعاونی ها، باشگاه های ورزشی، احزاب توده ای و... کنش افقی شدیدی را به نمایش می گذارند که یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی است (پاتنام: ۱۳۸۰، ۲۹۷). هر چه این شبکه ها در جامعه متراکم تر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. وی با طرح این سؤال که دقیقاً چرا شبکه های مشارکت مدنی چنین تأثیر سودآور قدرتمندی دارند؟ دلایل زیر را برمی شمارد:

- شبکه های مشارکت مدنی هزینه های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله ای افزایش می دهد، فرصت طلبی منافی را فرد انتظار دارد از دیگر معاملات همزمانش و معاملات آینده نصیبش شود، به خطر می اندازد. شبکه های مشارکت مدنی در زبان تئوری بازی ها تکرار و پیوند درونی بازی ها را افزایش می دهند.

- شبکه های مشارکت مدنی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می کند. شهروندانی را که در بسیاری از زمینه های اجتماعی ارتباط متقابل دارند این هنجارها به وسیله یک شبکه ارتباطی که به حسن شهرت در وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی است، تقویت می گردد (روشنفکر: ۱۳۸۵، ۴۷).

- شبکه های مشارکت مدنی، تجسم موفقیت در همکاری هستند که می توانند به عنوان یک چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل کنند (الوانی: ۱۳۸۰، ۱۶).

### ۲ - هنجارهای اجتماعی

هنجارهای اجتماعی شکلی از کنترل اجتماعی غیر رسمی را فراهم می کنند و جایگزین تضمین های حقوقی نهادی شده و کاملاً رسمی می گردد. بر اساس نظریه کلمن (۱۹۹۰) هنجارهای اجتماعی حق کنترل یک عمل را از یک بازیگر به دیگران انتقال می دهند. اساساً به این دلیل که عمل برای دیگران تبعات (مثبت/منفی) دارد. هنجارها هنگامی به وجود می آیند که یک عمل تجلیات بیرونی مشابهی برای تعداد دیگری از افراد دارد. از این رو بازارهای برخوردار از حق

### کارکردی آن

کنترل آن عمل به آسانی ایجاد نمی‌شود و هیچ بازیگر واحدی نمی‌تواند به گونه‌ای مفید در معامله‌ای برای به دست آوردن حق کنترل شرکت کند. هنجارها از طریق سرمشق‌شدن و اجتماعی شدن در افراد جامعه تلقین و تثبیت می‌شود (کلمن: ۱۳۷۷، ۳۸۱).

### ۳- بده - بستان

سرمایه اجتماعی به معنی مبادله و قراردادهای الزام‌آور حقوقی - رسمی و فوری نیست، بلکه دربرگیرنده طیفی از دیگرخواهی کوتاه‌مدت و نفع فردی درازمدت است. پاتنام می‌کند که هنجارهای معامله متقابل (بده - بستان) به دو نوع متوازن یا ویژه و عمومی یا شایع تفکیک می‌شوند (همان، ۲۹۴). معامله متقابل متوازن به معامله همزمان چیزهایی با ارزش برابر اشاره دارد مانند موقعی که همکارانی روزهای تعطیلشان را با هم عوض می‌کنند یا نمایندگان پارلمان با هم زدوبند می‌کنند. اما معامله متقابل عمومی به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یکطرفانه و غیر متوازن است اما انتظارات متقابل ایجاد می‌کند مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده باید در آینده باز پس گرفته شود. برای مثال دوستی، اغلب به معامه متقابل عمومی تبدیل می‌شود. آلومین گلدنر هنجار معامله متقابل را با استفاده از عبارتی از سیسرون مثال می‌زند که می‌گوید: "هیچ وظیفه‌ای ضروری‌تر از جبران محبت نیست، هیچ کس به فردی که یک محبت یا لطف را فراموش می‌کند، اعتماد ندارد" (Gouldner, 1960: 38).

مایکل تایلور معتقد است که: هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می‌کند معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را دارا است: اول نوع دوستی کوتاه‌مدت و دوم حفظ منافع خود در بلندمدت. من اکنون به شما کمک می‌کنم به این انتظار که شما فردا به منم کمک بکنید. معامله متقابل از یکسری از اقدامات تشکیل شده است که هر کدام در کوتاه مدت نوع دوستانه هستند اما نوعاً رویهمرفته هر شرکت‌کننده‌ای را منتفع می‌کنند (نقل از پاتنام: ۱۳۸۰، ۲۹۵).

بده - بستان، هنجارها و قواعد رفتاری است که افراد برای سامان بخشیدن به مناسبات بین فردی، مبادلات و تعاملاتی که برای بقای خود ضروری می‌دانند وضع می‌کنند. بده - بستان زمانی صورت می‌گیرد که هنجارها و ارزش‌های موجود سنتی، ملی و فرهنگی شوق همکاری و تعامل را ترویج کنند و ما نیز حلقه گروه خودی را کمی گسترده‌تر تعریف کنیم و نیز بدانیم که سرمایه اجتماعی همچون صندوقی از سپرده‌های اجتماعی - نفع مفیدی است که تلاش جزئی و اندک هر

یک از ما می تواند به تناسب، بهره لازم را از آن ببرد (ذکایی: ۱۳۸۱، ۱۳). نکته دیگری که پاتنام در ارتباط با اینگونه هنجارها بیان داشته، آن است که یک هنجار مؤثر مبتنی بر معامله متقابل عمومی احتمالاً با شبکه های انبوهی از مبادلات اجتماعی مبتنی است و بدین صورت بار دیگر ارتباط بین مؤلفه های سرمایه اجتماعی یعنی شبکه ها و هنجارها را تأکید می کند. در جوامعی که در آنها مردم می توانند مطمئن باشند که اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی گیرد بلکه جبران می شود احتمال زیادتری برای انجام معاملات و مبادلات وجود دارد (همان، ۲۹).

#### ۴-۱ اعتماد

پاتنام معتقد است که اعتماد به عنوان یکی از اجزای سرمایه اجتماعی موجب تسهیل همکاری می شود و هر چه سطح اعتماد در جامعه بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

اعتماد نوعی تمایل برای خطرپذیری و ریسک در یک متن اجتماعی است. فوکویاما اعتماد را انتظاری می داند که در یک اجتماع برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط صادقانه و مبتنی بر تعاون برمی خیزد و مبنای آن هنجارهای مشترک بین مردم است. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است و یک عنصر ناآگاهانه و غیراختیاری نمی باشد. داسگوپتا معتقد است: "شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی یا نهادی آنرا انجام خواهد داد اعتماد نمی کنید بلکه شما تنها به این دلیل به او اعتماد می کنید که با توجه به شناختتان از خلق خوی او، انتخاب های او و توانایی او حدس می زنید که او انجام این کار را بر خواهد گزید" (Dasgupta, 1988: 16).

پاتنام بیان می کند که در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش بینی بر اساس چیزی انجام می گیرد که برنارد ویلیامز آنرا اعتماد صمیمانه می نامد یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با افراد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگتر و پیچیده تر یک اعتماد غیر شخصی تر و یا شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت دارد. پرسشی که در طی آن مطرح می شود این است که چگونه اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی تبدیل می شود؟ وی در پاسخ بیان می دارد که اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی ناشی می شود (پاتنام: ۱۳۸۰، ۲۹۳).

اعتماد به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارایی ضروری اجتماعی نیز هست.

کارکردی آن

افراد قادرند به همدیگر اعتماد کنند و این به دلیل هنجارها و شبکه‌های اجتماعی است که عملشان در چارچوب آنها قرار می‌گیرد (همان، ۳۰۳).

#### ۵- کنش‌گرایی

وجود ویژگی‌های فوق‌الذکر در یک گروه یا انجمن، نوعی احساس کفایت فردی و جمعی را فراهم می‌سازد. رشد سرمایه اجتماعی مستلزم درگیر شدن فعالانه افراد در اجتماع مشارکتی است و موفقیت این انجمن‌ها منوط به استفاده کامل از ظرفیت مشارکتی افراد مورد مخاطب است (شریفیان ثانی: ۱۳۸۰، ۱۷).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مآخذ

- الوانی، مهدی (۱۳۸۰) اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، **مجله نمایه پژوهش**، شماره سوم.
- اونق، نازمحمد (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران.
- بهزاد، داوود (۱۳۸۱) سرمایه اجتماعی بستری برای سلامت روان، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دوم شماره ۶.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) **دموکراسی و سنت های مدنی**، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات وزارت کشور.
- تاجبخش، کیان / تقفی، مراد / کوهستانی، مسعود (۱۳۸۲) بررسی مقدماتی کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تأمین اجتماعی در ایران، **مؤسسه عالی تأمین اجتماعی**، گزارش شماره ۱۰۷.
- تاجبخش، کیان و اسدی کیا، بهناز (۱۳۸۲) تئوری سرمایه اجتماعی: پیامدهای آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، **مجله گفتمان**.
- توکویل، آلکسیس چارلز (۱۳۸۳) **تحلیل دموکراسی در امریکا**، ترجمه رحمت الله مقدم مراغه‌ای، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دلاپورتانی و دیانی (۱۳۸۳) **مقدمه ای بر جنبش های اجتماعی**، ترجمه محمد تقی دلفروز.
- رضایان، علی (۱۳۸۳) عصر سرمایه انسانی و اجتماعی، **فصلنامه پیام مدیریت**، شماره ۱۱ و ۱۲.
- رنایی، محسن (۱۳۸۱)، سقوط سرمایه اجتماعی، **مجله آفتاب**، شماره ۱۶.
- روشنفکر، پیام (۱۳۸۴) جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه علامه طباطبایی.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۴)، **زمینه فرهنگ شناسی**، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۰) گذر به بزرگسالی و جوانی رو به تغییر، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره چهارم، شماره ۳.
- حسینی، سید میر حسین (۱۳۸۴) بررسی سرمایه اجتماعی و سهم استان در تولید ناخالص داخلی برای سال ۱۳۷۹، **پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران**.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره دوم، سال اول، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- شیروانی، علیرضا (۱۳۸۳) تأثیر عملکرد سازمان های بخش دولتی بر سرمایه اجتماعی، **نشریه مدیریت و توسعه**، شماره ۲۰.
- فیلد، جان (۱۳۸۴) **سرمایه اجتماعی**، ترجمه جلال منقی، تهران مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) **پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، نشر

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴) **سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، چاپ اول.
- علوی، سید بابک (۱۳۸۰) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، **مجله تدبیر**، شماره ۱۶.
- لیتل، دانیال (۱۳۷۳) **تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم الاجتماع**، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، **پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی**.

منابع انگلیسی:

- Beker, G. S. (1964) human capital; a theoretical and empirical analysis, new York; National Bureau of economic Research.
- Bourdieu, P (1986) The forms of capitals, in. J Richardson Hand Book of theory and research for sociology of Education, New York, Green wood press, pp.248 - 9.
- Coleman. J. S (1998) Social capital in the creation of human capital American Journal of sociology. No. 94., pp 94 - 120.
- Dasgupta, p (1998) Trust as a commodity In Digo Gambetta. "Trust; making and Breaking cooperative Relations" oxford; basil Blackwell.
- Fukuyama. F (1995) Social capital at world bank. Strateghc and operational implications of the concept.
- Gouldner, A (1960) The norm of Reciprocity; A preliminary statement, American sociological Review 25 (April) .